

ارزیابی وضعیت موجود جمعیت و پیش‌بینی نیازهای آینده

انتشار نتایج کنفرانس سراسری عمومی نفوس و مسکن و اعلام جمعیتی بالغ بر ۴۴۰۰۰۰۰۰ نفر با هزینه ۲۰۰۰ میلیارد ریال در اردیبهشت ماه ۱۳۸۷ در تهران برگزار شد. این گزارش‌ها نشان می‌دهد که جمعیت کشور در حال حاضر ۷۰ میلیون نفر است و در سال ۱۳۹۰ به ۷۵ میلیون نفر خواهد رسید. این گزارش‌ها همچنین نشان می‌دهد که نرخ باروری در کشور ۲/۱ است و این امر منجر به کاهش جمعیت در آینده خواهد شد. همچنین گزارش‌ها نشان می‌دهد که امید به زندگی در کشور ۷۵ سال است و این امر منجر به افزایش نیازهای بهداشتی و درمانی خواهد شد. در ادامه به بررسی وضعیت جمعیت و پیش‌بینی نیازهای آینده خواهیم پرداخت.

● **اطلاعات** - ضمن تشکر از اینکه دعوت ما را برای گسترش قبول کردید، همان‌طور که مسختر همین شماره قبل مشاهده اطلاعات سیاسی - اقتصادی به بررسی سیاست‌های جمعیتی و همچنین نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن اختصاص داشت، در اینجا برای تکمیل مباحث شماره گذشته بهتر است محور بحث را براساس این سؤال تنظیم کرد که چه سیاستی باید به جهت افزایش و یا کاهش جمعیت کشور اتخاذ شود و در آن زمینه برای اتخاذ هر جهت‌گیری‌ای از چه ابزارهایی باید استفاده کرد و چه معیارهایی را نیز باید در نظر داشت؟

● **خانم کاظمی پور** - قبل از شروع بحث من به عنوان مقدمه باید به این نکته اشاره کنم که برای فواید از افزایش و یا کاهش جمعیت در ابتدا باید برنامه داشته باشیم و بدون برنامه نمی‌توانیم نظری در این مورد بدهیم و جهت گیری خاصی پیدا کنیم. برای داشتن برنامه باید به مسائل جمعیتی با دید علمی نگاه کنیم. بدین‌معنی هم مستقیم شناخت وضع موجود است. بنابراین برای ارزیابی یک فکر جمعیتی باید وضع موجود را بشناسیم و بعد بپایان آن نیازهای جمعیت را با حداقل استانداردهای بین‌المللی تطبیق بدهیم. در این شرایط برنامه ریزی خوب، این است که جمعیت موجود را به آن حداقل‌ها برساند پس ما برای اینکه حداقل‌ها برسیم باید برنامه ریزی کنیم. کسانی که با افزایش جمعیت مخالف نیستند و می‌گویند افزایش جمعیت مسأله‌ای نیست، باید به چه فکر کنیم یعنی وضعیت زندگی نوه‌های مردم که زیر سایه یک حکومتی قرار گرفته‌اند و باید به آنها سرورس داده شود نیز فکر کنند و به این مسأله توجه کنند که دولت باید آنها را به حداقل استانداردهای زندگی برساند و اگر به آن حداقل‌ها نمی‌رسند تا لائق کثرت نگردد لذا در شرایط خاصی در صورتی سطح زندگی را حداقل‌ها کم می‌شود که من فکر دیگر قضیه یعنی جمعیت اضافه شود بنابراین این ما در اینجا باید بررسی کنیم که وضع موجود و وضعیت ما نسبت

به حداقل استانداردهای بین‌المللی چگونه است و اگر استانداردهای بین‌المللی را قبول نداریم، وضعیت زندگی را با همان استانداردهای خود در سطح جامعه خودمان پذیرفته شده است تقصیر همی

مثلاً این دو مورد مسائل آموزش تصریح شده که ۲۵ هزار آموزش برای یک کلاس ابتدایی مناسب است. بنا بر این اگر ما ۲۵ دانش‌آموز در یک کلاس داشته باشیم عدد متوسط مطلوبیت را در این زمینه رعایت کرده‌ایم. بنا بر این افزایش و یا کاهش صحت هیچکدام فن تفسیر و بطور محدود با آن بد نیست، بلکه مطابقت آن با امکانات و توانمندی که به آن جهت می‌دهد و گاهی خوب و در شرایطی بد می‌شود. جمعیت فعلی کشور ما حدود ۵۰ میلیون نفر است. حالا اگر بگوییم این جمعیت زیاد نیست، باید بگوییم نسبت به چی زیاد نیست. در مقایسه با یک معیارهایی، بطور مثال در مورد مصرف سرانه کارتری، تعداد پزشکان و یا آموزش سرانه است که این جهت گیری می‌تواند معنی پیدا کند. فرضاً اگر یکی از اهداف دولت این است که آموزش در سطح ابتدایی تعیین پیدا کند و در پنج سال آینده به عدد درصدم برسد، خوب برای رسیدن به چنین هدفی ما باید اول ببینیم به چه مقدار مدرسه و معلم احتیاج داریم. اگر امکانات تعیین این پارامترها فراهم بود این مقدار جمعیت مناسب است و والا باید در مورد آن بحث شود. در وضع موجود مملکت، استانداردها شش‌صدها را ما حساب کرده‌ایم و بررسی آنها می‌تواند به این بحث کمک کند.

مثلاً در مورد پزشک در حال حاضر به ازای هر ۲۸۰۰ نفر یک پزشک و در ۱۷۰۰۰ نفر یک دندانپزشک وجود دارد. در حالی‌که استاندارد جهانی یک پزشک برای هر ۱۰۰۰ نفر و یک دندانپزشک برای هر ۲۰۰۰ نفر است.

بررسی دیگر ما در مورد تعداد واحدهای مسکونی است. از آنجا که مسکن عددی که حوزا را کما اساسی‌ترین نیاز جامعه است، تعیین آن معمولاً از مشکلات دولتمداریست. بنا بر این مسکن از چند عامل ناشی می‌شود که عبارتند از: رشد

طبیعی جمعیت، رشد ناشی از مهاجرت، اشتغال واحدهای مسکونی از برآورد مسکن، بهرحال مستهلک می‌شود و تبدیل واحدهای غیراستاندارد مثل کبیرها و چادر و حسیه و برآورد استاندارد.

بنابراین اگر حتی جمعیت کشور اضافه هم نشود دولت برای تامین مسکن به یک سری سرمایه‌گذاری نیاز دارد. حالا علاوه بر این مسأله وقتی رشد طبیعی جمعیت که اجتناب‌ناپذیر است نیز مطرح شود و دولت مجبور باشد به این جمعیت جدید نیز سرورس بدهد - هر ساله باید تعدادی واحد مسکونی جدید ساخته شود.

از طرفی در حال حاضر در سطح بین‌المللی معتقدند که برای هر خانوار باید یک واحد مسکونی وجود داشته باشد. در حالی که در کشور ما هر ۱/۴ خانوار در یک واحد مسکونی هستند بنابراین اگر بخواهیم حتی وضعیت را طوری کنیم که در هر واحد مسکونی یک خانوار سکونت داشته باشد برای هر ۱۰۰۰ خانوار به ۲۵۰ واحد مسکونی جدید احتیاج داریم. بنابراین در مجموع ما باید ابتدا وضع موجود جمعیت را بشناسیم، بعد ببینیم نیازهایی که خود دولت پذیرفته است که آنها را تامین کند تا چه حد است. سپس با توجه به امکانات موجود بپوشیم که چه میزان جمعیت می‌تواند ما را در همان حداقل‌ها نگاه دارد.

● **اطلاعات** - با توجه به اینکه اشتغال نیز از نیازهای عمده جامعه است آیا در این مورد هم محاسباتی داشته‌اید؟

● **خانم کاظمی پور** - در مورد اشتغال نیز بررسی‌هایی شده است ولی فکر می‌کنم بعد از ابتدا وضعیت موجود جمعیتی کشور را بررسی کنیم. جمعیت ایران با رشدی حدود ۲ درصد در سال‌های ۲۵ و ۵۵ اضافه می‌شود. البته در هر دو طبقه سرشماری اخیر نزدیک به ۴ درصد بین ۳۰۰۰۰۰۰ نفر شده است. این افزایش طبقه و بالای گذشته در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی را رشد بیشتری برده است.

در هر دو طرف رشد جمعیت در مناطق شهری ۷۹/۹۳ و در مناطق روستایی ۱/۱ بوده است و خلا این رقم در مناطق

شهری به ۵/۲۲٪ و در مناطق روستایی به ۲/۲۸٪ رسیده است. بنابراین اولین مسأله آنی که با آن مواجه هستیم افزایش نرخ رشد جمعیت در ایران است.

در تبیین این مسأله ما ابتدا آن را برای کل جمعیت شرح می‌کنیم و برای دیگر بخش‌های شهر و روستا در مورد کل جمعیت باید گفت این که نرخ رشد جمعیت افسانه شده است یکی مربوط به مسأله مهاجرت از خارج کشور، مثل معاونین عراقی و مهاجرین اقمالی است و دیگری به علت افزایش میزان باروری در ایران بخصوص بعد از انقلاب می‌باشد البته در اینجا یک مسأله‌ای که در مورد رشد جمعیت من را به شک انداخته است این است که شاید سرشماری سال ۵۵ قدری کم‌شماری داشته باشد و اگر این مسأله واقعیت داشته باشد نرخ جمعیت کمتر از این خواهد بود.

♦ دکتر میرزایی: احتمال این مسأله وجود دارد زیرا در سرشماری گذشته طبیعتاً یک تعامی بوده است که اقوام را کمتر بیان کنند اما در سرشماری فعلی بخاطر سناهای کلی کسب کریم و دفترهای سیخ اقتصادی حداقل گزارش کلی این بوده است که تعداد افراد خانواده‌ها را بطور کامل اعلام کنند و با حتی بیشتر به بگویند روی این اصل شاید بتوان گفت تمامی این رشد یک رشد واقعی نیست.

♦ خانم کاظمی پور: به همین جهت من برای جمعیت ایران سه نرخ رشد یعنی پینی کرده‌ام، یکی ادامه وضع موجود - یعنی اگر فرضی را بر این بگذاریم که تمام اطلاعات مربوط به جمعیت درست باشد و با همین نرخ رشد برویم در سال ۱۳۷۰ بالغ بر ۶۵ میلیون نفر، در سال ۷۵ حدود ۷۰ میلیون نفر - در سال ۸۰ بالغ بر ۸۹ میلیون نفر و تا آخره در سال ۸۵ یعنی ۲۰ سال آینده ما ۱۸۸ میلیون نفر جمعیت خواهیم داشت. این در صورت ادامه وضع موجود است. فرض دوم را بر این احتمال گذاشته‌ام که تعداد جمعیت در سرشماری گذشته یک کم‌شماری همراه بوده در جمعیت در ایران یک رشد کاذب باشد. یعنی ابتدا ما رشد ۳۲/۴ درصد سال اول شروع شود. بعد ۲/۲٪ برای پنج سال دوم و بعد ۲/۸٪ تا پایان آن باشد.

♦ خانم کاظمی پور: هر چه جهت من برای جمعیت ایران سه نرخ رشد یعنی پینی کرده‌ام، یکی ادامه وضع موجود - یعنی اگر فرضی را بر این بگذاریم که تمام اطلاعات مربوط به جمعیت درست باشد و با همین نرخ رشد برویم در سال ۱۳۷۰ بالغ بر ۶۵ میلیون نفر، در سال ۷۵ حدود ۷۰ میلیون نفر - در سال ۸۰ بالغ بر ۸۹ میلیون نفر و تا آخره در سال ۸۵ یعنی ۲۰ سال آینده ما ۱۸۸ میلیون نفر جمعیت خواهیم داشت. این در صورت ادامه وضع موجود است. فرض دوم را بر این احتمال گذاشته‌ام که تعداد جمعیت در سرشماری گذشته یک کم‌شماری همراه بوده در جمعیت در ایران یک رشد کاذب باشد. یعنی ابتدا ما رشد ۳۲/۴ درصد سال اول شروع شود. بعد ۲/۲٪ برای پنج سال دوم و بعد ۲/۸٪ تا پایان آن باشد.

♦ خانم کاظمی پور: هر چه جهت من برای جمعیت ایران سه نرخ رشد یعنی پینی کرده‌ام، یکی ادامه وضع موجود - یعنی اگر فرضی را بر این بگذاریم که تمام اطلاعات مربوط به جمعیت درست باشد و با همین نرخ رشد برویم در سال ۱۳۷۰ بالغ بر ۶۵ میلیون نفر، در سال ۷۵ حدود ۷۰ میلیون نفر - در سال ۸۰ بالغ بر ۸۹ میلیون نفر و تا آخره در سال ۸۵ یعنی ۲۰ سال آینده ما ۱۸۸ میلیون نفر جمعیت خواهیم داشت. این در صورت ادامه وضع موجود است. فرض دوم را بر این احتمال گذاشته‌ام که تعداد جمعیت در سرشماری گذشته یک کم‌شماری همراه بوده در جمعیت در ایران یک رشد کاذب باشد. یعنی ابتدا ما رشد ۳۲/۴ درصد سال اول شروع شود. بعد ۲/۲٪ برای پنج سال دوم و بعد ۲/۸٪ تا پایان آن باشد.

♦ اطلاعات البته باید توجه داشت که در سال ۵۴ که اوج فعالیت سازمان و باروشها بود و واردات انواع مصالح ساختمانی از خارج به سهولت صورت می‌گرفت، فقط حدود ۲۲۰/۰۰۰ واحد مسکونی در کشور ساخته شده است البته بنا به آمار دیگری واحدهای مسکونی احداث شده در سال ۵۹ (پس از پیروزی انقلاب اسلامی) که ۱۵۹ هزار واحد بوده در کل تاریخ خانه سازی دو کشور می‌سایه است.

♦ خانم کاظمی پور: در یک سال. ♦ اطلاعات: بله یعنی در سال ۵۹ که فعالیت ساختمانی نسبت به سایر سالها بیشتر بوده است حدود ۱۵۹ هزار واحد احداث شده است.

♦ خانم کاظمی پور: البته من در محاسبه نیاز به مسکن هم فقط خانوار را زیاد کرده و هم اینکه نسبت خانوار به واحد مسکونی را یک نگرفته و به نسبت وضع موجود که حدوداً ۱/۲ تا ۱/۳ است محاسبه کردم.

♦ خانم کاظمی پور:
- نسبت تعداد خانوارها به واحدهای مسکونی در ایران ۱/۴ است. یعنی برای آنکه در هر واحد مسکونی یک خانوار سکونت داشته باشد، به ازای هر ۱۰۰۰ خانوار به ۴۰۰ واحد مسکونی جدید نیاز داریم.

♦ دکتر میرزایی: البته کم شدن بعد خانوار همیشه نیاز به مسکن را تشدید می‌کند اگر کم شدن بعد خانوار در اثر تبدیل خانوار گسترده به خانوار کوچکتر باشد نیاز به مسکن تشدید می‌شود ولی اگر کم شدن بعد خانوار در اثر کم شدن درآمد باشد نیاز به مسکن تشدید نخواهد شد. بنابراین هر کم شدن بعد خانواری از نوعا به معنای افزایش نیاز به مسکن محسوب می‌گردد.

♦ خانم کاظمی پور: بله. کاملاً درست است. حالا بعد از مسکن بحث بعد از مسکن اشغال است. باتوجه به وضع موجود که در طبق سرشماری اخیر ۲۲ درصد کل جمعیت شاغل بودند و از طرفی باتوجه به اینکه جمعیت ما جوان است نیاز به کار در کشور ما بیشتر خواهد شد ولی اگر فرض کنید با همین رقم بطر برویم تعداد شاغلین ما در دوره‌های بعد از سال اول، ۱۲ میلیون، ۱۳ میلیون، ۲۰ میلیون و ۲۰ میلیون و نزدیک ۳۰ میلیون نفر خواهد بود اگر در کدام از اینها را با تعداد شاغلین که الان هستند و نیاز به شغل ندارند مقایسه تطبیقی کنیم، نیاز ما به مشاغل بسیار زیاد خواهد بود که این تعداد شغل باید ایجاد شود. در فرض دوم نیاز به مشاغل چندین در دوره‌های مورد بحث به ترتیب ۲ میلیون، ۲ میلیون، ۳ میلیون، ۴ میلیون و ۵ میلیون خواهد بود که من آنها را از روی اختلاف شاغلین در هر مقطع با شاغلین دوره قبل حساب کرده‌ام. به استثنای اینکه در هر مقطعی ما تعدادی بی‌کار داریم که مقایسه شغل هسته زیر اشغال نادره در سطح سلامت، وجود ندارد و ما با توجه به وضع موجود مسائل را بررسی می‌کنند ولی این محتمل در وضع موجود ثابت هم نباشد تا ما به نیازهای خود را پیدا کنیم چندین در آینده شاغلین ما به مسأله بی‌کاری از حل کند و هم بی‌کاری پنهان را از بین ببرد.

♦ دکتر میرزایی: شما این مسأله را فقط نسبت به افزایش جمعیت حساب کرده‌اید؟ ♦ خانم کاظمی پور: بله فقط نسبت به افزایش جمعیت یعنی افراد تازه وارد به بازار کار را حساب کرده‌ام اما احتضال

اینکه شغلها نیز حط شود و مسائل دیگر در نظر گرفته شده است. ♦ دکتر میرزایی: شما میزان اشغال را محاسبه کرده‌اید یا کل جمعیتی که اضافه خواهد شد؟ ♦ خانم کاظمی پور: در سرشماری ۶۵ نسبت شاغلین به کل جمعیت حساب شده که ۲۲ درصد است من بر این اساس محاسبه کرده‌ام. ♦ دکتر میرزایی: شما این ۲۲ درصد را حفظ کرده‌اید؟ ♦ خانم کاظمی پور: بله. ♦ دکتر میرزایی: تازه این رقم خیلی پایین است. ♦ خانم کاظمی پور: بله چون جمعیت جوانتر می‌شود، احتضال با نیاز بالا رفته و نیاز به اشتغال بیشتر می‌شود.

♦ دکتر میرزایی: باید توجه داشت که در سرشماری گذشته میزان اشغال حدوداً ۲۸ درصد بوده است و این ۲۲

♦ در حال حاضر به ازای هر ۲۸۰۰ نفر یک پزشک و هر ۱۷۰۰۰ نفر یک دندانپزشک در ایران وجود دارد. در حالیکه استاندارد جهانی یک پزشک برای هر ۱۰۰۰ نفر و یک دندانپزشک برای هر ۴۰۰۰ نفر است.

درصد حداقل میزان اشغال است. ♦ خانم کاظمی پور: هر مسأله دیگر این است که طی سالهای ۵۵ و ۶۵ به طور متوسط، سالانه ۱۶۰۰۰۰ نفر جمعیت ایران اضافه شده است که بر طبق آخرین سرشماری یعنی سال ۶۵، در هر سال بالغ بر ۲۱۳۰۰۰۰ تولد و ۵۷۰۰۰۰ فوت شده داریم. این را من به این جهت محاسبه کرده‌ام که کم‌نواهی‌های کودکان و مسأله سرکشی را در نظر بگیریم و ببینیم در هر فصل چقدر بچه متولد می‌شود درست است که سالانه ۱۶۰۰۰۰۰ نفر به جمعیت اضافه می‌شود ولی ما سالی ۲۱۳۰۰۰۰ نفر بچه داریم که سالانه تغذیه و تکمیل امکانات بهداشتی و درمانی آنها را باید در نظر بگیریم. باتوجه به اینکه من این را نسبت به ۹۶ میلیون جمعیت در نظر گرفته‌ام و اگر در سالهای بعد جمعیت ما اضافه شود تعداد متولدین ما نیز افزایش خواهد یافت.

♦ دکتر میرزایی: میزان مولد را بر چه مبنایی نظر گرفته‌اید؟ ♦ خانم کاظمی پور: سرشماری ۳۳ را در نظر گرفته‌ام یعنی همه این افراد را با حداقلهایی که در سطح سلامت مورد اول است محاسبه کرده‌ام. در مورد نیازهای بهداشتی در حال حاضر ما با ۲۸۰۰۰ نفر به ازای هر پزشک روبرو هستیم. این طور که من حساب کرده‌ام در فرض اول در دوره‌های مورد بحث نیاز ما به ۲۵۲۹ نفر در دوره سوم و ۶۹۱۷ نفر در دوره چهارم خواهد بود. با توجه وضع موجود که به ازای هر ۲۸۰۰ نفر یک پزشک وجود دارد، راه حل چیست؟ ♦ خانم کاظمی پور: مسأله وضع موجود را جدا از احتضال و باسین تر است و حداقل باید برای هر ۱۰۰۰۰ نفر یک پزشک وجود داشته باشد. ♦ اطلاعات: گرچه همین نسبت پزشکان هم بطور عمده در سطح کشور توزیع نشده است.

بر اینکه من به امار فارغ التحصیلان پزشکی هم مراجعه کردم طی سالهای ۵۸ تا ۶۵ یعنی در حدود ۶ سال ۴۰۰۰ فارغ التحصیل در رشته پزشکی داشته ام که میانگین سالتان آن حدود ۶۶۶ نفر می شود البته این تعداد فارغ التحصیلان داخل کشور است حالا من به یک ساله همگیری نیز باید اشاره کنم فرض کنید سالی ۱۵۰۰۰۰ نفر به جمعیت کشور ما اضافه شود (که قبلا کمترین رقم سالی ۱۶۰۰۰۰ نفر است) با احتساب این رقم ما در هر سال به ۵۰۰ فارغ التحصیل پزشکی، ۲۵۰۰۰۰ واحد مکتبی، ۳۳۰۰۰۰ شغل جدید و ۸۰۰۰ معلم و سایر جده احتیاج داریم البته در مورد میزان نیاز به دبیر فرض را بر این گذاشتیم که اگر جمعیت لازم تعلیم ما به مدرسه می رود ما باید به افراد جدید یعنی ۲۰۰۰۰۰ اضافه فارغ التحصیل سال سررسیم بشیم

البته من برای هر ۵۰ دانش آموز یک معلم گرفته ام که نسبت بالای است و معلوم دیگر این است که در حال حاضر جمعیت لازم تعلیم ما به مدرسه نمی رود و در جهت میزان بسویالی زیاد شده است ساله دیگر این است که ما شاهد افزایش شهروندی در ایران هستیم ولی این باعث شده که رشد جمعیت در مناطق روستایی کمتر از گذشته بشود البته این رشد از حد متوسط کسر است

دکتر میرزایی:

- اگر رشد جمعیت ایران به طور مقطعی مورد بررسی قرار گیرد، شاید تعداد ۵۰ میلیون نفر در حال حاضر برای کشوری مثل ایران مسأله ای نباشد ولی با توجه به روند رشد جمعیت که هر ۲۰ سال دو برابر می شود، ۱۰۰ سال دیگر جمعیت ما به یک میلیارد

تحت پوشش قرار دارند این ها کل آمار و ارقامی بود که من محاسبه کرده بودم که تقریباً به مجموع مشخصات وضع موجود را نشان می دهد حالا با توجه به این آمار می توان ضمن برآورد نیازها، شرایط موجود را ارزیابی کرد.

*** اطلاعات آقای دکتر شما افزایش جمعیت در ایران را چگونه ارزیابی می کنید؟
 دکتر میرزایی: همان طور که خانم کاظمی اشاره کردند لفاظیات کلی در مورد رشد جمعیت، یعنی یک تعمیم کلی برای مورد کار صحیحی نیست یعنی رشد جمعیت هم می تواند خوب باشد و هم اینکه در شرایط بخصوصی در ارتباط با رشد و توسعه اقتصادی کشور می تواند نامناسب تلقی شود فرقیانگه نکته مهم بررسی روند رشد جمعیت است

مثلاً اگر روند جمعیت ایران بطور مقطعی مورد بررسی قرار گیرد شاید تعداد ۵ میلیون نفر در حال حاضر برای کشوری مثل ایران مسأله ای نباشد ولی وقتی روند رشد جمعیت مطالعه شود بخصوص با توجه به نیازها و با توجه به اینکه در ایران همه مناطق کشوری نمی تواند جهت مناطق مناسب و حاصلخیز نیروی تولید کشاورزی را با حتی احداث واحدهای مسکن در محصوره بشود، یک مقدار می توان جهت اطلاع کرد که رشد جمعیت ما متناسب با رشد اقتصاد و تولید

نفر خواهد رسید و آن وقت این سوال مطرح می شود که آیا جمعیت یک میلیارد نفری هم برای کشور ما مسأله نخواهد بود؟

بهترین سیاست، قدم گذاری در راه رشد و توسعه اقتصادی است. حضور شاخص های توسعه در جامعه، خود میزان زاد و ولد و باروری را کاهش خواهد داد.

نیست ولی اگر با یک دید ایمن نگاه کنیم باید نظر قرار دهیم بخصوص با توجه به نیازها که در حال حاضر داریم شد به این نتیجه می رسیم که یکی از راه های که می توان از طریق آن در آینده بهترین نیازهای کشور را تامین کرد، تصدیر رشد جمعیت است.

نرخ رشد جمعیت ایران با احتساب مهاجرتی که داشته ایم در ششمین آذر ۳۷/۷ بود است با این نرخ رشد جمعیت تا ۲۰ سال یکبار دو برابر می شود و این مسأله اگر ۵ بار تکرار شود در ۱۰۰ سال آینده جمعیت به یک میلیارد نفر بالغ خواهد شد و آن وقت این سوال مطرح می شود که آیا جمعیت یک میلیارد نفری هم برای کشور ما مسأله ای نخواهد بود یا در یکی از جمعیت شناس ها طبیعت رشد جمعیت نتیجه ای که در دراز مدت نمی تواند خیلی بالا باشد هرچقدر هم که ما نسبت به امکانات و منابع خویشین باشیم، بار رشد جمعیت نمی تواند بالا باشد و باید دراز مدت را در حوش اول مد نظر باشد چون چرخه های تولیدی رشد یک فرد اصطلاحاً برای افزایش جمعیت یک رشد بی پایان است و با این رشد هر طایفه سال یکبار جمعیت دو برابر خواهد شد.

عامل دیگری که رشد جمعیت را زیاد می کند کاهش مرگ و میر است که کاهش مرگ و میر یک کل مفهومی است زیرا نشانه ارتقاء و بهبود وضع بهداشت جامعه است و بحث هم باید برای آن سرمایه گذاری شود تا وضع سلامت در این زمینه از این حالتی که در حال حاضر است هم بشود هدف دستیابی سطح مرگ و میر که ناشی از بهبود وضعیت بهداشتی جامعه است در حدی که ابتدا به سالکان ۰۰۰ سیاست جمعیتی نیست از برای هیچ وقت نمی گویند که وضع بهداشتی سلامت از خوب کمی تا جمعیت زیاد شود، ولی بطور غیرمستقیم نتیجه جمعیتی دارد.

زیرا وقتی سطح بهداشت خوب شد جمعیت افزایش می یابد ایجاب حاصل می کند که ما باید در ارتباط با زاد و ولد مطرح شود هر چند که مسأله مهاجرت هم است ولی با توجه

به فواید و سواطی که بسیاری از کشورها در مهاجرت بین المللی دارند خیلی نمی توانیم روی مسأله مهاجرت حساب بکنیم و مثلاً بگویم اگر رشد جمعیت زیاد می شود، اثرات به مثل به مناطق که جمعیت آنها کم است مهاجرت کنند البته در قرن نوزدهم و با اوبال قرن حاضر اضافه جمعیت آنها را به همین شکل جبران می شد در قرن نوزدهم رشد جمعیت در اروپا زیاد بود (البته نه به این میزان) که در حال حاضر در کشورهای جهان سوم میباشند ولی کمک قدری از حجت اضافه شده آنها جلف فاره جدید و اکثرآ به آمریکا مهاجرت کردند بهر حال در حال حاضر خیلی نمی توانیم روی مهاجرت بین المللی حساب کنیم لذا در اینجا تنها مسأله زاد و ولد و باروری است که در رابطه با سیاستهای این مملکت می شود می تواند مورد بررسی قرار گیرد بهترین سیاست، قدم گذاری در راه رشد و توسعه اقتصادی است که مهم این است که حضور کلان می تواند توسعه خوش میزان زاد و ولد و باروری را کاهش دهد.

مستلح صنایع سواد تحصیلات، اشتغال زنان و ارتقاء منزلت اجتماعی آنان میزان باروری را کاهش می دهد جمعیت کلان حاصل می شود در کشورهای زاد و ولد بیشتر است چون فرزند را از یک خانوار که بازده آنی داشته باشد خارج می کند و او را به یک موجودی که باید برایش سرمایه گذاری آموزشی و

سیاست تنظیم خانواده بخصوص نوع وارداتی است که در گذشته معمول بود هرگز نمی تواند چاشنین توسعه شود یعنی اگر جامعه ای در راه توسعه اقتصادی و اجتماعی قدم بر ندارد هر چقدر هم که برنامه تنظیم خانواده را دنبال کند باز شکست می خورد

بهداشتی بشود تا در آینده ای مودتر با کیفیت بهتری وارد جامعه بشود تبدیل می کند بنابراین در جامعه ای که تحصیلات اجباری وجود داشته و فوایدی برای همه کار اطفال باشد میزان زاد و ولد کاهش خواهد یافت زیرا در ابصورت دیگر خانواده با تعداد اطفال را افزایش نمی گیرند و این خود باعث می شود که میزان باروری با تنی باید یعنی در اینجا مناطق بیشتری بر معادلاتی که خانواده ها در ارتباط با تعداد فرزندانشان مطرح می گردند حاکم می شود.

هچنین کاهش میزان مرگ و میر اطفال هم نیازمندان زاد و ولد را پائین می آورد زیرا وقتی خانواده ها تصمیم می کنند که فرزندان بیشتری برایشان می ماند بازم در معادلاتشان در مورد میزان باروری تعدیل نظر خواهند کرد فرض کنید یک خانواده ۴ یا ۵ فرزند داشته باشد و در این سطح مرگ و میر بالا باشد این خانواده باید ۸ تا ۱۰ فرزند بدینا باورد تا فرضا ۳ نفر آنان باقی بماند ولی وقتی مرگ و میر اطفال کاهش خواهد یافت خانواده ها تصمیم می کنند که اگر ۵ تا ۸ فرزند می خواهند احتیاج عماره که ۸ تا ۱۰ فرزند بدینا بیابورد

فرض از این مثالها این است که میزان زاد و ولد ارتباط زیادی با مسائل توسعه دارد مثلاً تکاملی کشوری پیشرفته اقتصادی از طریق به مرحله کاهش باروری می رسد. بهداشت، سیاستها و برنامه های دولت در جهت کمک به تعدیل جمعیت و باروری می تواند مکمل توسعه اقتصادی اجتماعی کشور باشد و در همین جا نمی تواند کم که سیاست تنظیم خانواده شامل مخصوص نوع وارداتی است که در گذشته معمول بود نمی تواند چاشنین توسعه بشود یعنی اگر یک جامعه ای در راه توسعه اقتصادی و اجتماعی گام بر ندارد هرچقدر که برنامه تنظیم خانواده دنبال کند باز شکست می خورد که اینک ما از سالهای ۱۸۵۰ مخصوص بعد از ۱۹۶۰ شاهد روند این برنامه ها به کشورهای جهان سوم بودیم و در بسیاری از موارد شکست آنها را نیز مشاهده کردیم، چون اکثر وارداتی شماره ششم - صفحه ۱۸

جمعیت ایران در سالهای ۱۳۲۵، ۱۳۴۵، ۱۳۶۵ و تفکیک مناطق شهری و روستایی

مناطق	سال سرشماری عمومی		
	۱۳۴۵	۱۳۶۵	۱۳۲۵
کل کشور	۱۸/۱۵۲/۷۰۲	۲۵/۷۸۸/۷۲۲	۳۳/۰۰۰/۷۱۲
مناطق شهری	۵/۸۵۲/۵۶۲	۸/۷۸۲/۴۶۶	۹/۷۷۲/۳۸۲
مناطق روستایی	۱۲/۲۹۶/۱۴۶	۱۵/۹۹۶/۲۵۶	۲۳/۲۲۸/۳۳۰

پیش بینی جمعیت ایران برای سالهای ۱۳۷۰، ۱۳۷۵، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۵ با سه فرض

فرض پیش بینی جمعیت	سال ۱۳۷۰	سال ۱۳۷۵	سال ۱۳۸۰	سال ۱۳۸۵
اول- ادامه وضع موجود	۶۰/۲۵۸/۳۰۲	۷۳/۲۵۱/۸۵۲	۸۸/۲۳۶/۷۱۲	۱۰۸/۲۱۲/۶۰۵
دوم- کاهش تولید جمعیت	۵۸/۲۸۰/۲۸۰	۶۸/۸۵۲/۱۲۲	۷۹/۸۱۹/۱۷۰	۹۱/۶۲۸/۲۶
سوم- کاهش سریعتر رشد جمعیت	۵۸/۵۲۶/۹۸۸	۶۷/۵۲۰/۲۲۱	۷۶/۷۸۸/۲۳۶	۸۶/۰۳۲/۳۵۱

تعداد خانوار و درصد رشد آن طی سالهای ۱۳۲۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۵۵-۶۵ تفکیک مناطق شهری و روستایی

مناطق	سال سرشماری عمومی				درصد رشد سالانه خانوار طی سالهای
	۱۳۲۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۴۵	
کل کشور	۳/۸۵۲/۵۰۰	۵/۱۷۸/۱۹۲	۶/۲۱۱/۲۱۸	۷/۱۵۲/۵۰۲	۲/۸۱
مناطق شهری	۱/۲۶۱/۱۲۸	۱/۹۶۲/۰۲۲	۲/۲۶۵/۵۲۲	۵/۵۸۹/۹۱	۵/۲۸
مناطق روستایی	۲/۵۹۱/۳۷۲	۳/۲۱۶/۱۰۰	۳/۹۴۶/۱۰۰	۱/۵۷۳/۵۹۱	۱/۴۷

متوسط بعد خانوار در ایران در سالهای ۱۳۲۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و میزان تغییرات آن

مناطق	سال سرشماری عمومی				تغییرات بعد خانوار طی سالهای اخیر
	۱۳۲۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۴۵	
کل کشور	۲/۷۵	۲/۹۹	۳/۰۰	۳/۰۲	۰۰/۰۱
مناطق شهری	۱/۲۷	۱/۷۲	۲/۰۸	۲/۵۱	۰۰/۰۱
مناطق روستایی	۲/۴۸	۳/۲۷	۱/۰۰	۰۰/۲۲	۰۰/۲۶

درصد باسواد جمعیت ۶ ساله بالای ایران در سالهای ۱۳۲۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و میزان تغییرات آن

مناطق	سال سرشماری عمومی				میزان تغییرات در صد باسواد جمعیت طی سالهای
	۱۳۲۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۴۵	
کل کشور	۱۹/۱	۲۹/۲	۳۷/۰	۴۶/۰	۱۴/۵
مناطق شهری	۳۳/۲	۵۰/۲	۶۵/۲	۷۸/۲	۸/۸
مناطق روستایی	۹/۰	۱۵/۱	۲۰/۵	۲۸/۲	۱۷/۱

در سال ۱۳۲۵ درصد باسوادی جمعیت ۱۰ ساله بالا و در سال ۱۳۶۵ درصد باسوادی جمعیت ۱۰ ساله بالا محاسبه شده است.

درصد شهرنشینی انواع مختلف جمعیت در ایران در سالهای ۱۳۲۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵

نوع جمعیت	سال سرشماری عمومی		
	۱۳۲۵	۱۳۴۵	۱۳۶۵
کل جمعیت	۳۱/۲۱	۳۷/۹۸	۴۷/۱۶
جمعیت ۶ ساله بالا	۳۳/۲۹	۴۰/۲۲	۴۸/۶۶
جمعیت باسواد	۳۲/۰۷	۳۹/۲۷	۴۲/۵۸
جمعیت سراسری	۲۵/۶۶	۲۸/۲۲	۳۸/۵
جمعیت شهری	۳۰/۶۰	۳۸/۰۵	۴۶/۷۵

بوده و همراه با توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه نوده است. در اینجا باید بگویم توجه نیست که ما در رابطه با ایران رشد ۳/۹ را یک رشد بالایی تلقی می کنیم که با رشد اقتصادی و تولید جامعه مطابقت ندارد ما اگر در شرایط اقتصادی باشیم یک رشد جمعیتمان بالاتر از رشد تولید کشور باشد خود این مسأله وابستگی را تشدید می کند زیرا نه تنها نیازهای فعلی به جای خود وجود دارند بلکه افزایش نیز میباید که باید حداقل در یک حد متعاضدی که مورد نظر جامعه اسلامی است برآورده شوند.

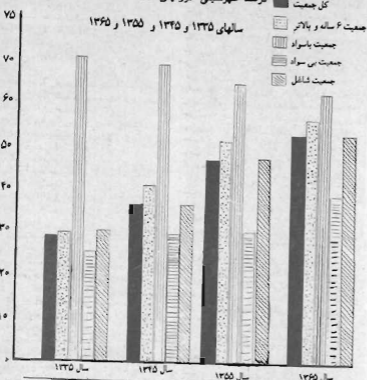
حالا اگر میزان تولید ما کمتر از نیازهای جمعیت باشد ما به خودکفایی نخواهیم رسید و طبیعی است که باید کفایتی مردمان را از خلق ورده کنیم بنابراین یک راه بر آورد کردن و پاسخ دادن به نیازها، تعدیل ضرب رشد جمعیت است. البته در اینجا باید خیلی سنجیده برخورد شود و جمعیت را از افراد و صاحبزادگی که در محیط تولید و درآمد باروری می توانست مؤثر باشند فرما رواجتاون جامعه شناسها و اقتصاددانها و نهایتاً پزشکان استفاده شود البته پزشکان صرفاً نقش تکنیکی دارند در گذشته محور برنامه های تنظیم خانواده پزشکان بودند اینها از نظر تکنیکی کارهای زیادی می توانست بکنند ولی مسأله کنترل زائوداد و باروری مسأله ظرفی است که باید صاحبزادگان مختلفی در رابطه با آن کار کنند.

مسائل فزگی و پذیرش جامعه در اینجا خیلی مهم است که رواجتاون در این زمینه خیلی می تواند کمک کند همچنین بعد اقتصادی و اجتماعی این مسأله نیز مهم است که جامعه شناسان و اقتصاددانان می توانست در این زمینه کمک کنند بهرحال، نظری می رسد یکی از راههای که می تواند به بر آورده شدن نیازها و گام برداشتن در مسیر خودکفایی کمک کند، تعدیل رشد جمعیت است.

خانم کاظمی بوری یکی از مسائلی که باید توجه شود این است که در چه صورت کیفیت زندگی مردم بالا می رود و وقتی که شاخص های توسعه را در حد میکرو (در سطح خانوارها) داشته باشیم به در حد ماکرو (در سطح برنامه های کل مملکت)، حصول به شاخص های توسعه باید از اهداف دولت باشد ولی اگر این موضوع سیاست اجرایی نداشته باشد اصلاً فایده ای ندارد بنابراین باید این مسأله را واحدهای کوچک بعضی خانوارها اعمال شود اگر دولت بخواهد از ایجاد هم در نظر ندارد که نظارت بر افزایش جمعیت داشته باشد سیاستهای که اعمال می کند منجر به افزایش جمعیت خواهد شد بطور مثال مسأله کوبنی شدن اوزان و سیاستهایی که اجرای آن به تعداد اعضای خانواره بستگی دارد. حتی زمین دادن به خانوارهای بی جمعیت اینها سیاستهای ترویجی هستند که حضور شاخص های توسعه را از اهداف دولت خنثی می کنند. فرست است که هدف دولت حضور شاخص های توسعه در جامعه است ولی این هدف وقتی اعمال می شود که ما بتوانیم آن را در سطح خانوارها و واحدهای اجتماعی اعمال کنیم.

دکتر میرزائی - در ادامه مباحثی که گفته شد موضوع دیگر مسأله جمعیت است. یک رشد بالای جمعیت ترکیب سنی ای را در جامعه پدید می آورد که می تواند تا حدی در رابطه با رشد اقتصادی مسأله ساز باشد یعنی بالا بودن رشد جمعیت که ناشی از بالا بودن سطح زاد و ولد و باروری است همیشه یک حیم زمانی از جمعیت را در فاصله هرم سنی قرار می دهد.

فکر می کنم حدود ۵۰ درصد از جمعیت در سنین صغیر تا ۱۲ سال قرار دارد یعنی حدود ۲۸ تا ۳۰ درصد جمعیت زیر ۱۴ سال هستند اینها جزء جمعیتی هستند که باید سرمایه گذاری طبیعی در زمینه امکانات آموزشی و بهداشتی برایشان بشود. شما این را با کشوری که مثلاً جمعیت زیر ۱۴ سالش ۳۰ درصد کل جمعیت است مقایسه کنید می بینید که مسأله چنانی آن با کشور ما فرق می کند. در اینجا مسأله ساختار عمری مطرح است که سلسله تبار به سرمایه گذاری برای آنها به اندازه نیازی که برای جوانان مطرح است نمی باشد بهرحال فرض این است که به بعد ظرفیت ساختن جمعیت نیز توجه شود زیرا رشد زیاد



گرن اخیر در یک دید بسیار کلی اگر تمام دنیا را در نظر بگیریم، ما رشد سریع جمعیت را داشته‌ایم و اتفاقاً رشد توسعه اقتصادی هم داشته‌ایم. بنابراین در این فاصله بیش بعد از انقلاب صنعتی تا حال حاضر نمی‌توانیم رشد جمعیت را مانع رشد و توسعه بدانیم بلکه رشد جمعیت تشدید کننده توسعه اقتصادی و اجتماعی بوده است. منتهی وقتی مائفل را تکنیک می‌کنیم و با رشد سریع جمعیت در بسیاری از کشورهای جهان سوم برخورد می‌کنیم، قضیه صورت دیگری پیدا می‌کند. اینکه این کشورها عموماً در نظر تولید وابسته هستند باعث می‌شود به این نتیجه برسیم که رشد جمعیت آنها بسیار بالاتر و راین به این مسأله توجه کنیم. فرض اینکه ما متکر این سیستم که رشد جمعیت تا حدی اسلا برچورد آورنده توسعه اقتصادی-اجتماعی است و در این رابطه انگیزه ایجاد می‌کند و به آن شتاب نیز می‌بخشد.

اطلاعات - با توجه به اینکه اشاره شد که جمعیت ما جمعیت جوانی است و پس از انقلاب نیز روحه شهرتینی شدید پیدا کرده است، ما می‌خواهیم خصوصیات آن در چند بند - سه - شرح شود و اینکه اسلا با توجه به ناکت جوان جمعیتی ما، دستگامهای برنامه ریزی چه توجهات خاصی را در این رابطه باید انجام دهند.

خانم کاظمی پور نولین نیاز جمعیت جوان، برنامه ریزی شدید آموزشی است. جمعیت‌های جوان با توجه به میانگین امید زندگی ۶۲ سال، به طور متوسط حدود ۵۰ سال دیگر زندگی خواهند بود و در انتظار یک برنامه ریزی دراز مدت هستند و این برنامه ریزی همان برنامه ریزی برای تأمین امکانات آموزشی، بهداشت و درمان آنهاست. حتی میزان کاری مصرفی یک جمعیت جوان با یک جمعیت سالخورده فرقی می‌کند. جمعیت جوان به پزوتین بیشتری احتیاج دارد یعنی اگر میزان تولید مواد پرورش در کشور کم است، میزان واردات در صورت جوان بودن جمعیت تشدید می‌شود. نیاز به مشاغل جدید در صورت جوان بودن جمعیت، زیادهای می‌شود به وسیله ایجاد کارخانه‌های جدید ایجاد شده و نیاز به واحدهای مسکونی تشدید می‌شود. جمعیت جوان این عاقل را به دنبال دارد و اگر با رشد معمار، همراه باشد، یعنی رشد آن ادامه داشته باشد و این جمعیت به تدریج زیاد شود، این نیازها را ایجاد می‌کند.

مسئله سیاسی قضیه نیز این است که می‌گویند مسلا جمعیت‌های جوان از پزوتین و نیرو و تک‌تک تغییرات بیشتری برخوردار هستند.

اطلاعات - روحه سالخوردهگی معمولاً روحیه محافظه کاری است، در مورد خصوصیات جمعیت شهری بفرمائید.

خانم کاظمی پور، مسأله‌ای که افزایش شهرتینی به همراه دارد این است که می‌گویند افزایش شهرتینی اگر منجر به کاهش روستائین و کاهش سهم بخش کشاورزی در تولید اقتصادی کشور شود، جامعه و مخاطره می‌افتد و گردن خورده‌ها نسبت به ذات را بد نیست. یعنی در جهت توسعه اقتصادی است، به خصوص اگر جمعیت کشور در جهت شهرهای متوسط افزایش یابد. مشکل کشور ما مسئله شهرتینی نیست، مسئله متروپلیت نشینی است که مشکل ایجاد کرده است. این موضوعی است که در بررسی دیگری اشاره شد. اما مطرح خواهیم کرد، دیدگاه دیگری براین مورد وجود دارد که معتقد است نباید افزایش شهرتینی را مطرح کرد، بلکه مسئله کاهش روستائین است. که با توجه به نتایج مهندسی کشاورزی دیدیم چنین مسأله‌ای نداریم. جمعیت ما در روستاها این کم نشده بلکه زیاد هم شده، بدون اینکه سطح زیر کشت ما با افزایش زبانی روبرو باشد. مسئله دیگری این است که با رشد جمعیت، نسبت نیروی کار در پیشگی اقتصادی نباید ثابت بماند. درسال ۱۳۵۵ به طور سناری معادل ۳۳ درصد نیروی کار ما در هر یک از بخشهای ۴۰۰۰ (کشاورزی، صنعت، خدمات، پرورش دام و طیور) که همان میزان را بخوبی حفظ کنیم. جمعیت ما در بخش کشاورزی آلان دیگر نباید ۳۳ درصد باشد، بلکه باید حدود ۲۶-۲۵ درصد باشد که در حال حاضر فکر می‌کنیم همین اندازه است. یعنی شهرتینی در ایران، در رابطه با میزان روستائین و فعالیت در بخش کشاورزی،

زیاد نیست. ولی در خود شهرها عدم تناسب بین فعالیت در بخش خدمات و صنعت است که مشکل ایجاد کرده است. ما در بخش کشاورزی اسلا مسأله‌ای نداریم، مسئله ما صنعت و خدمات است که در ارتباط با کیفیت بخش کشاورزی می‌شود و به همین خدمات اجتماعی می‌شود. مشکل ما پیگیری بهتر و خدمات کاتبی است که در کشورها به افزایش شهرتینی در جامعه ایجاد شده و این مسئله را در افزایش است. بی سالی شهرتینی‌ها می‌توانیم مشاهده کنیم که چون سطح تخصص پایین آمد، تعداد روستائین چهار که همه قادر تخصص هستند. جنبش بخش خدمات کاتبی شد.

اطلاعات - به عنوان جمعیتی از مطالبی که مطرح شد بهتر است این نیازها را در ارتباط با طراحی که در حال حاضر در زمینه افزایش جمعیت در جامعه مطرح می‌شود مقایسه کنیم. نظریه‌ای که از افزایش جمعیت دفاع می‌کند بیشتر اثرات سیاسی رشد جمعیت را در نظر می‌گیرد و به اهداف سیاسی نظام جمهوری اسلامی تکیه می‌کند و علاوه بر آن معتقد است که افزایش جمعیت باطن مستقیم و غیرمستقیم در رشد و توسعه اقتصادی جامعه نیز اثر خواهد داشت. در مقابل نظریه‌ای مطرح است که همان طور هم که اشاره کردیم معتقد است وقتی میزان رشد جمعیت از میزان رشد سرمایه‌گذاری و تولید کشور تشدید می‌شود شرایط رشد جمعیت نه تنها موجب توسعه اقتصادی نمی‌شود بلکه به عنوان مانعی نیز در برابر آن عمل خواهد کرد و لذا همیشه اینطور نیست که افزایش جمعیت متراف با توسعه اقتصادی و اجتماعی باشد.

دکتر میرزایی - برای هر جامعه‌ای آنگاه رشدی خاص آن جامعه مناسب است که این بستگی به خصوصیات اقتصادی - اجتماعی آن جامعه دارد و در اینجا مسئله رابطه رشد جمعیت با رشد تولید است. اگر کشاورزی آلان در شرایطی است که چهار کسری تراز بارگزی است این نشان می‌دهد که در لحاظ تولید در شرایطی نیست که کفایت نیازهای جامعه را کند یکی از چیزهایی که واردات را تشدید می‌کند. رشد سریع جمعیت است وقتی رشد جمعیت زیاد شود نیازهای وارداتی ما تشدید می‌شود یعنی این نشان می‌دهد که تولید تکاثری جمعیت را نمی‌کند. بنابراین

یک راه به تعادل رسیدن تولید با نیاز این است که ما رشد جمعیت متعادل داشته باشیم. براساس ارقامی هم که در این جهت بحث خانم کاظمی پور به دست دادند، نیازها در تمامی زمینه‌ها اهم از بهداشت، آموزش، مسکن، حجم گسترده‌ای است. حتی اگر بخواهیم وضع موجود حفظ شود و به حد مطلوب هم نتوانیم برسیم، نیازها بسیار زیاد است و بر آوردن آن‌ها کار ساده‌ای نیست.

این موضوع عاقل است که باعث می‌شود ما بگوئیم رشد ۳/۵ یا ۴ درصد برای ما رشد بالاس است و باید نهایتاً با سیاستهای سنجیده و پانوجه به جمع شئونات قضیه، به تعادل کشیده شود.

خانم کاظمی پور - حالا ما عدم تناسب توزیع تخصصها در سطح کشور و تهران گرایش متخصص را مطرح نکرد و فرض را بر مطلقیت وضع موجود قرار داده‌ایم. پانوجه به اینکه برای برنامه ریزی و ایجاد اشتغال در وضع موجود، در برنامه ریزان بسیاری احتیاج داریم. تعداد زیادی از متخصصین به خارج رفته‌اند و گروهی هم در اثر انقلاب فرهنگی از وقفه در کار دانشگاه که در سطح داخل تربیت تشدید بطور کلی جدا از رشد جمعیت، ما کسبهایی داریم که برای تأمین آنها نیاز به برنامه ریزی داریم.

دکتر میرزایی - به فرحال، نیازهای آموزشی، ایجاد اشتغال و نیازهای بهداشتی، مسائلی است که بگفته‌ام در ارتباط با رشد جمعیت فرار بگیریم و با یک دید آینده‌نگارانه است.

این نیاز تاکنون می‌گم و قبول دارم که پانوجه به منابع و امکانات زمین‌مانند به طور مطلق مسئله جمعیت نداریم و رقم نسبت در حدود ۵-۴ میلیون مسأله‌ای نیست. ولی روند رشد را بطور می‌توانیم ندیده بگیریم. یعنی با روند رشد جمعیت حتی به میزان ۳ درصد در ۲۳ سال جمعیت ۳ برابر می‌شود یعنی اگر قطاری جلتور برویم، می‌بینیم که ما را برآورده کنیم.

اطلاعات - با تشکر از اینکه وقتتان را به ما دادید امیدواریم که در آینده نیز از همکاری شما برخوردار باشیم.